

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین «سعیدی- سعید افغانی»
۰۷ اکتوبر ۲۰۱۶

تفسیر احمد - ۲۴

ترجمه و تفسیر سوره القارعه- ۲

قیامت و نشانه های آن:

قرآن عظیم الشان در بیشتر از (۱۵۰۰ آیت) در مورد قیامت و نشانه های آن بحث مفصلی به عمل آورده است ، اگر مجموع آیات ذکر شده در مورد قیامت ، مورد تفسیر و تحلیل قرار گیرد ، می توان این آیات را در چند بخش تقسیم نمود. دسته اول از این آیات به جواب آنده از اشخاصی می پردازد که وقوع روز قیامت را من حیث کل انکار می نمایند . دسته دوم از این آیات در جواب کسانی است که در وقوع قیامت در شک و شکاکیت به سر می برند و به اصطلاح با حالت تعجب سؤال می کنند: که چگونه انسان زمانی که می میرد ، و جسمش به خاک مبدل می گردد ، دوباره زنده می شود و دوباره پوست و گوشت و چشم و ابرو و ... یش به حالت اولیه بر می گردند؟ طوری که پروردگار با عظمت ما در جواب آن می فرماید : «قل یحییها الذی انشأها اول مره»(سوره مبارکه روم آیت ۴۳) همانگونه که اولین بار شما را خلق کردیم و هیچ نبودید، خلقت دوباره شما آسان تر از اول است.)

دسته سوم این آیات موضوعات به نعمت های اعطاء شده برای جنتیان را مورد بحث قرار می دهد از جمله زندگی در بهشت ، موضوعات حور و غلمان و نهرهای عسل و ... است و سایر نعمات آن دنیا را مورد بحث قرار داده است .

هکذا دسته چهارم از این آیات ، دورنمای جهنم، مظهر قهر الهی و آتش جهنم و غل و زنجیر، طعام دوزخیان و صراط ، میزان و عالم برزخ را به تصویر می کشند.

همچنان عده ای از آیاتی که غیر مستقیم بحث قیامت را مطرح می سازد، اما مستقیماً سخنی از قبر، عذاب، بهشت و جهنم ندارد. مانند «فمن يعمل مثقال ذرة خیراً یره و من يعمل مثقال ذرة شراً یره» (سوره مبارکه هود/ آیت ۹۸) (هر کس به اندازه یک ذره کار نیک انجام دهد آن را خواهد دید و هر کس به قدر یک ذره کار زشتی مرتکب شده آن هم به کيفرش خواهد رسید.)

خواننده محترم!

در مورد قیامت و نشانه ها و علائم آن احادیث و روایات متعددی وجود دارد، و پروردگار با عظمت ما توسط پیامبرش به ما انسانها از نشانه هائی و وقوع قیامت خبر داده اند که به آنها نشانه های صغری و کبری گفته می شوند.

در احادیث متذکره وارد گردیده است از جمله حدیث مشهوری داریم از : عمر بن خطاب رضی الله عنه که چنین روایت نموده است :

«بَيْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ، إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ، شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ، لَا يُرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ، وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ، حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ، وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَى فَخْذَيْهِ، وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ، وَتَصُومَ رَمَضَانَ، وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا). قَالَ: صَدَقْتَ، فَعَجِبْنَا لَهُ يَسْأَلُهُ وَيُصَدِّقُهُ. قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ، قَالَ: (أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ، وَمَلَائِكَتِهِ، وَكُتُبِهِ، وَرُسُلِهِ، وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَتُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ). قَالَ: صَدَقْتَ، قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ. قَالَ: (أَنْ تُعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ). قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ، قَالَ: مَا الْمَسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ). قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ أَمَارَاتِهَا، قَالَ: (أَنْ تَلِدَ الْأُمَمُ رَبَّتَهَا، وَأَنْ تَرَى الْحَفَاةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّيْءِ يَتَطَاوَلُونَ فِي الْبُنْيَانِ). ثُمَّ انْطَلَقَ فَلَبِثْتُ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ: (يَا عُمَرُ أَتَدْرِي مِنَ السَّائِلِ؟ قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: (فَإِنَّهُ جِبْرِيلُ أَتَاكُمْ يُعَلِّمُكُمْ دِينَكُمْ). رَوَاهُ مُسْلِمٌ). (روزی ما نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نشسته بودیم، مردی بر ما وارد شد که جامه او بسیار سفید بود، و موهای سرش بسیار سیاه، و کسی از ما او را نمی شناخت، و هیچ اثر سفر بر او نبود که بگوئیم از جائی دور آمده است، تا این که نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم نشست، و دو زانوی خود را به دو زانوی پیامبر صلی الله علیه وسلم چسباند، و دو دستش را بر دو ران آن حضرت صلی الله علیه وسلم نهاد، و گفت: ای محمد! مرا از اسلام خبر ده.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در جواب فرمود: اسلام عبارت است از این که گواهی دهی و یقین داشته باشی، معبودی به حق جز خدای یکتا نیست و آن که محمد فرستاده خداست، و بر پا بداری نماز را، و زکات بدهی، و روزه (ماه مبارک) رمضان بگیری، و حج خانه خدا ادا نمائی، اگر توانائی بدنی و مالی و توشه راه و وسیله ای برای سفر داشته باشی. آن مرد گفت: راست گفتی.

ما متعجب شدیم که از رسول اکرم سؤال می کند (در حالی که سؤال، علامت ندانستن است) و تصدیق می نماید (در حالی که تصدیق نشانه دانستن است). گفت: پس مرا از ایمان خبر ده، حضرت فرمود: ایمان عبارت است از این که ایمان بیاوری به یگانگی خدا (در ذات و صفات و افعالش که هیچ شریکی ندارد)، و ایمان بیاوری به فرشتگان خدا (که پیام رسانان میان خدا و پیامبران هستند)، و ایمان بیاوری به پیامبران خدا (که برای راهنمایی بشر فرستاده شده اند)، و ایمان بیاوری به روز قیامت (و آن چه شامل آن می شود از جزای اعمال و حساب و بهشت و دوزخ)، و ایمان بیاوری به سرنوشت؛ (یعنی تقدیر)، و ایمان بیاوری به خیر و شر آن. آن مرد گفت: راست گفتی.

گفت: مرا از احسان و نیکوکاری خبر ده، فرمود: نیکوکاری عبارتست از این که چنان خدا را بندگی کنی گویا او را می بینی، و اگر تو او را نمی بینی، یقین بدار که او تو را می بیند.

گفت مرا از روز قیامت خبر ده، فرمود: پرسیده شده (در این مسأله) داناتر از پرسنده نیست، آن مرد گفت: پس مرا از نشانه های قیامت باخبر ساز، فرمود: آن که کنیز آقایش را بزاید، (یعنی مادران را خوار و حقیر شمارند و خود را آقای مادر بدانند). و آن که پا و تن برهنگان بینوا، و چوپان گوسفندان را ببینی که به برافراشتن کاخ (و زیاده روی در ساختمان) بپردازند.

پس آن مرد رفت، و من چندی نشستم، و آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: ای عمر! می دانی که سؤال کننده چه کسی بود؟ گفتم: الله و رسول خدا بهتر دانند، فرمود: او جبرئیل بود، که آمده بود (تا با پرسش و پاسخ کردنش) دینتان را به شما بیاموزد.

خواننده محترم!

در مورد این که زمان وقوع قیامت چه وقت است و یا قیامت چه وقت شروع می شود حکم شرع اسلامی همین است که از زمان وقوع قیامت به جز الله تعالی، کسی دیگر زمان آن را نمی فهمد، الله تعالی می فرماید: «وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ» (سوره زخرف ۸۵). یعنی: «و علم قیامت نزد اوست»

ولی گفته می توانیم که برپا شدن قیامت نشانه هائی دارد که بر اساس وقوع آن نشانه ها می توان پی به نزدیک بودن زمان وقوع قیامت برد. این نشانه ها را در اصطلاح شرع «أشراط الساعة» یعنی نشانه ها و علامتهای قیامت که قبل از برپائی آن واقع می شوند، مسمی نمود.

نشانه های قیامت:

علماء نشانه های قیامت را به سه بخش تقسیم بندی نموده اند:

دسته اول:

در بخش دسته اول نشانه ها و علائم شامل نشانه ها و علائم دور که آمده و پایان یافته اند. که از آن جمله بعثت پیامبر صلی الله علیه وسلم می باشد.

بر اساس آنچه در صحیحین از حدیث انس بن مالک رحمة الله که از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می کند که فرمود: «بُعِثْتُ أَنَا وَالسَّاعَةَ كَهَاتَيْنِ. وَضُمَ السَّبَابَةُ وَالْوَسْطَى» (بخاری (۶۵۰۴)، و صحیح مسلم (۲۹۵۱)). «بعثت من و قیامت مانند این دو انگشت است و دو انگشت سبابه و وسطی را به هم چسپاند» و از آن جمله نصف شدن ماه بر اساس آنچه خداوند در کتابش به آن خبر داده است. الله تعالی می فرماید: «أَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَأَنْشَقَّ الْقَمَرُ» (سوره قمر ۱) «قیامت نزدیک و ماه دو نصف می گردد» و از آن جمله خارج شدن آتش از سرزمین حجاز که به خاطر آن گردن شترها در بصری روشن می گردد. شیخین از ابوهریر روایت می کنند که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَخْرُجَ نَارٌ مِنْ أَرْضِ الْحِجَازِ تُضِيءُ أَعْنَاقَ الْإِبِلِ بِبُصْرَى» (بخاری (۷۱۱۸)، و صحیح مسلم (۲۹۰۲)). «قیامت برپا نمی شود تا آتشی در حجاز برافروخته شود و گردن شتران را در بصری روشن گرداند»

(بُصْرَى):

از شهری معروف که در سوریه فعلی موقعیت دارد و به آن حوران گفته می شود که تا دمشق سه مرحله فاصله دارد. «معجم البلدان» (۴۴۱/۱) و «شرح نووی بر صحیح مسلم» (۳۰/۱۸) و «فتح الباری» (۸۰/۱۳). و این آتش بر اساس آنچه پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده بود در جمادی الثانی سال ۶۵۴ ه که خروج آن در قسمت شرقی مدینه بود، ظاهر شد و به سبب آن دره ای از آتش جاری شد و جماعتی از مردم آنجا و مردم شام نور آن را دیدند و مردم بصری گردن شتران را در روشنائی آن همانگونه که پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده بود دیدند.

دسته دوم:

بخش دوم، نشانه های وسطی و آن عبارتند از نشانه هائی که ظاهر شده و پایان نیافته اند بلکه زیاد شده و به شدت منتشر شده اند. که از آن جمله جاریه آقای خود را به دنیا آورد و انسان های پا برهنه، لخت، نیازمند و چوپان را می بینی ساختمان های چند طبقه و بلند می سازند. بر اساس آنچه در حدیث جبرئیل در فوق گذشت: «گفت مرا از روز قیامت

خبر ده، فرمود: پرسیده شده (در این مسأله) داناتر از سؤال کننده نیست، آن مرد گفت: پس مرا از نشانه های قیامت باخبر ساز، فرمود: آن که کنیز آقایش را بزاید، و آنکه پا و تن برهنگان بینوا، و چوپان گوسفندان را ببینی که به برافراشتن کاخ (و زیاده روی در ساختمان) پردازند.»

و از آن جمله خارج شدن سی دجال که همگی ادعای نبوت می کنند همانگونه که در حدیث ابوهریره روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُبْعَثَ دَجَالُونَ كَذَّابُونَ قَرِيبًا مِنْ ثَلَاثِينَ كُلُّهُمْ يَزْعُمُ أَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ» بخاری (۳۶۰۹) . «قیامت بر پا نمی شود مگر این که دجالهای کذابی حدود سی نفر که همه آنان ادعای نبوت می کنند، ظاهر شوند» و در سنن ابوداود و ترمذی از ثوبان روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «وَإِنَّهُ سَيَكُونُ فِي أُمَّتِي كَذَّابُونَ ثَلَاثُونَ كُلُّهُمْ يَزْعُمُ أَنَّهُ نَبِيٌّ وَأَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» سنن ابی داوود (۴۲۵۲) «همانا در امت من سی نفر مدعی نبوت دروغین ظاهر می شوند و هر یک از آنان گمان می کند پیامبر خدا است در حالی که من خاتم انبیاء هستم و پیامبری بعد از من نخواهد آمد».

از آن جمله ظاهر شدن کوهی از طلا در فرات که مردم به خاطر آن با همدیگر می جنگند. ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می کند که فرمودند:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَحْسِرَ الْفُرَاتُ عَنْ جَبَلٍ مِنْ ذَهَبٍ يَفْتَنُ النَّاسَ عَلَيْهِ فَيُقْتَلُ مِنْ كُلِّ مِائَةٍ تِسْعَةٌ وَتَسْعُونَ وَيَقُولُ كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ لَعَلِّي أَكُونُ أَنَا الَّذِي أَنْجُو» مسلم (۲۸۹۴) ، بخاری (۷۱۱۹) «قیامت بر پا نمی شود تا این که رود فرات کوهی از طلا را کشف (ظاهر) کند. مردم بر سر آن بجنگند و نود و نه در صد آنان کشته می شوند و همه می گویند شاید من زنده بمانم» و این علامتی است که فاصله واقع شدن آن زیاد نیست.

ادامه دارد